تاریخچه نام جمهوری آذربایجان

وصال حسین‌اف*

چکیده

محدوده جغرافیایی جمهوری آذربایجان کنونی، در طول تاریخ، نام‌های مختلفی داشته است. در آن منطقه نخستین بار در قرن چهارم قبل از میلاد، دولتی مستقل به وجود آمد که «آلبانیا» و «اران (یا الران)» مشهورترین اسم‌های آن بود. این دو واژه که اقوال مختلفی در مورد آن وجود دارد، در حقیقت یکی است و تلفظ آن دو به زبان‌های مختلف فرق می‌کند. نام این دولت از قوم آلبانی یا ارانی گرفته شده‌است که اصلی‌ترین و مهم‌ترین قوم آن‌جا بود. بعد از فتوحات اسلامی رفته‌رفته هر یک از بخش‌های اران نام مستقلی به خود گرفت و این امر موجب شد تا این کلمه به همه مناطق قبلی اطلاق نشود.

گاهی به منطقه مورد بحث، ارمینیه و آذربایجان نیز گفته شده است. این مسأله از تقسیمات ارضی و کشوری حاکمان نشأت گرفته و به جهت سهولت در اداره کشور انجام شده است. اما در سال ۱۹۱۸میلادی که حزب مساوات به رهبری محمدامین رسول‌زاده در اران به حکومت رسید، اسم کشور را «جمهوری دموکراتیک آذربایجان» گذاشتند. سرزمین مذکور هم‌اکنون نیز «جمهوری آذربایجان» نامیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی

آذربایجان، آلبانیا، اران، ارمینیه.

---

* کارشناس تاریخ اسلام.

مقدمه

منظور از نام جمهوری آذربایجان در این تحقیق، نام دولت‌های مختلف در طول تاریخ است که در محدوده جغرافیایی جمهوری آذربایجان کنونی به وجود آمده‌اند. هم‌چنین با توجه به اهمیت زبان‌شناسی و ریشه‌یابی واژه‌ها در پژوهش‌های تاریخی، به ریشه‌یابی برخی واژه‌ها نیز پرداخته شده است.

نخستین بار در قرن چهارم قبل از میلاد، دولتی مستقل در محدوده جمهوری آذربایجان به وجود آمد. «آلبانیا» و «اران (یا الران)» مشهورترین اسم‌های این دولت بود که اولی در منابع قدیم یونانی، از جمله جغرافیای استرابو[۱] و دومی در منابع اسلامی ذکر شده است. محدوده جغرافیایی دولت مذکور، امروزه جمهوری آذربایجان (به جز منطقه جنوبی رود ارس)، منطقه جنوبی جمهوری خودمختار داغستان و مناطق شرقی جمهوری‌های ارمنستان و گرجستان را شامل می‌شود.

بعضی‌ها ریشه واژه‌های «آلبانیا» و «اران» را یکی دانسته و بعضی به تفکیک میان آنها قائل شده‌اند. موسی کاگان کاتواتسی (متوفای قرن ۷ یا ۸ و یا ۱۰میلادی)، نویسنده کتاب *تاریخ آلبانیا* اران را مردی از نوادگان یافث بن نوح و از نسل سیسکان (سیونیک)[۲] دانسته که بر اران فرمان‌روایی داشته است. او چون مردی مهربان و خوش‌خوی بود، وی را «آغو» می‌خوانده‌اند و به همین دلیل، به کشور او آغوان یا آلبان می‌گفتند.[۳]

میرزا جمال جوانشیر قراباغی، نویسنده *تاریخ قراباغ* که در سال ۱۸۴۷میلادی نگارش آن را آغاز کرده، به اعتقاد اران اسم مردی از فرزندان نوح است. او مدتی بعد از طوفان، ولایات بین کر و ارس را آباد کرد و اسم خود را روی آن‌جا گذاشت.[۴]

سارا آشوربیگلی کلمه «اران» را واژه‌ای ترکی و به معنای طویله، دشت و... می‌داند.[۵] بعضی دیگر اسم «اران» را با واژه «اَرَن» به معنای شجاع، جوان‌مرد و جسور در زبان ترکی مربوط می‌دانند.[۶] بعضی دیگر اسم «آلبان» را از واژه ترکی «آلپ» به معنای

---

۱. استرابن، *جغرافیای استرابو* (سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان)، ترجمه: همایون صنعتی‌زاده، ص۱۷ــ۲۱، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، چاپ اول، تهران ۱۳۸۲.

2. Siunik. (بخشی از اران در دوره قبل از اسلام به این نام نامیده می‌شد).

3. Каланкатуклу М. Албанија тарихи. Тәрҹүмәчи вә шәрһ едән: Зија Бүнјадов, Елм, Бакы, 1993, сәh. 17.

4. Гарабағи Ҹ. Гарабағ тарихи (Гарабағнамәләр топлусунда). Јазычы, Бакы, 1989, сәh. 108.

5. Вәлиханлы Н. М. Әрәб хилафәти вә Азәрбајҹан. Азәрнәшр, Бакы, 1993, сәh. 33.

6. Мүәллифләр hej'әти. Азәрбајҹан тарихи. Бир чилддә, Азәрнәшр, Бакы, 1994, сәh. 176.

«شجاع‌ها» برگرفته‌اند.[1] اما به نظر می‌رسد که این شباهت‌ها فقط اتفاقی است و همان‌طور که از بحث‌های مردم‌شناسی اران معلوم می‌شود، نه آلبآنها ترک بوده‌اند و نه زبان ترکی در اران آن زمان این قدر رواج داشته که اسم آن مملکت و مردم اصلی آن به آن زبان باشد.

بعضی اران را برگرفته از واژه «آر» می‌دانند که نام دیگر نژاد «ایر» یا همان تیره آریایی است.[2] ریشه این باور به آریایی‌شمردن ارانی‌ها برمی‌گردد. احمد کسروی، ارانیان را تیره‌ای از ایرانیان برشمرده و زبان ارانی یا آرانی را شاخه‌ای از زبانهای ایرانی[3] و برادر زبان آذری قدیم[4] دانسته است. ولی به دلیل متفاوت بودن آثار باقی‌مانده از زبان ارانی با زبانهای آریایی و آداب و رسوم و فرهنگ ارانی‌ها با فرهنگ آریایی‌ها، معلوم می‌شود که این دو قوم از یک‌دیگر جدا بوده‌اند و زبان آنها هیچ شباهتی به هم‌دیگر نداشته است.

یوزف مارکوارت، از بزرگ‌ترین ایران‌شناسان معاصر، همین مطلب را تأیید می‌کند و تعجب خود را از عقیده مذکور چنین ابراز می‌دارد:

> آلبانی در تمام اوقات، یک سرزمین فوق‌العاده مهم غیرآریایی بوده است و آداب و رسوم ساکنان آن که استرابن ذکر کرده است، مؤید این موضوع است. از این رو غیرقابل‌درک است که هنوز «گلدنر» به کرات ارآنها را با سرزمین «آریانم ویجو» اوستا یک‌سان قرار می‌دهد».[5]

آکادمیسین بارتولد[6] و مینورسکی[7] نیز به مسأله غیرآریایی بودن مردم اصلی اران تأکید ورزیده‌اند. به گفته موسی خورنی (۳/فصل ۵۴) این زبان «حلقی، خشن، غیرتمدنی و به طور کلی ناهنجار» بود.[8]

---

1. Jенə орада, səh. 147.

۲. آذربایجان شوروی، *دایرةالمعارف تشیع*، نشر شهید سعید محبی، ج۱، ص۳۰، چاپ اول، تهران.

۳. احمد کسروی، *شهریاران گمنام*، ص۲۵۷، چاپ سوم: امیر کبیر، تهران ۱۳۵۳.

۴. همو، *آذری یا زبان باستان آذربایجان*، ص۲۵، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا. یادآوری می‌شود که زبان آذری قدیم، لهجه‌ای از زبانهای ایرانی بود.

۵. *ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، ترجمه: دکتر مریم میراحمدی، ص۲۲۳، چاپ اول، اطلاعات، تهران ۱۳۷۳.

۶. واسیلی بارتولد، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه: حمزه سردادور، ص۲۳۱، چاپ سوم، توس، تهران ۱۳۷۲.

۷. ولادیمیر مینورسکی، *تاریخ شروان و دربند*، ترجمه: محسن خادم، ص۱۸ و ۲۰، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، تهران ۱۳۷۵.

۸. همان، ص۱۸؛ *ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، ص۲۲۲ ـ ۲۲۳.

دو واژه اران و آلبان در حقیقت یک‌سانند که تلفظ آنها به زبان‌های مختلف فرق کرده است. یوزف مارکوارت در این باره می‌نویسد:

«رَن» یا صحیح‌تر آن «اران» است که شکل فارسی شده نام «آلوانک» ارمنی است. عربی آن «الران» و گرجی آن «رنی» است. قبلاً در اثر منصوب به «آپولونیوس»، تحت شکل فارسی شده «الوانک»، قومی آلبانی ذکر شده است و هم‌چنین استرابن نیز از این نام، نام آلبانیایی درک می‌کند».[1]

تقریباً همین مطلب را میلر[2]، مینورسکی[3]، کسروی[4] و دیگران[5] نیز تأیید کرده‌اند.

بعد از فتح کشور مورد بحث توسط مسلمانان، تاریخ‌نگاران و جغرافی‌دانان اسلامی با آن‌جا آشنا شدند و آن را «ارّان» یا «الران» نامیدند. اما در برخی منابع، اران بخشی از ارمنیه (ارمنستان) معرفی شده است که از تقسیمات ارضی و اداری بیزانسیان و به تبع آنها خلافت اسلامی نشأت می‌گیرد. با این توضیح که کلمه «ارمینیه» دو مفهوم اولیه و ثانویه را در بردارد؛ در مفهوم اولیه، کشوری مستقل در جنوب غرب اران بود که شهرهای مهمی چون دبیل، قالیقلا، ارزن، خلاط، باجنیس و غیره را داشت. اما به مفهوم ثانوی، در سال ۵۳۶میلادی از طرف یوستینیان[6] اول، امپراتور بیزانس وضع شد.[7] ارمینیه به این معنا که ارمنستان، اران و گرجستان را شامل می‌شد، فقط یک تقسیم ارضی بود؛ یعنی به سبب سهولت در اداره امپراتوری، آن را به قسمت‌های مختلف تقسیم کردند و چون ارمینیه به بیزانس نزدیک‌تر بود و بیزانسیان با آن‌جا آشنایی بیشتری داشتند، همه این بخش را ارمینیه نامیدند.

مسلمانان بعد از گسترش فتوحات، ممالک اسلامی را به پنج ولایت اصلی تقسیم می‌کردند که اران، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان شرقی، جزیره و قسمتی از آسیای صغیر چهارمین ولایت را تشکیل می‌داد. اما در زمان امویان، خلافت به نه ولایت تقسیم

۱. همان، ص۲۲۱ ـ ۲۲۲.
۲. همان، ص۲۲۱، پی نوشت ۱۸۲.
۳. *تاریخ شروان و دربند*، ص۱۷.
۴. *نام‌های شهرها و دیه‌ها*، ص۲۵۵، نشر و پخش کتاب، بی‌جا، بی‌تا.
۵. نک: عنایت‌الله رضا، «آذربایجان، جمهوری شوروی سوسیالیستی»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، به سرپرستی علمی کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج۱، ص۲۳۷؛ چاپ اول، تهران.«آذربایجان شوروی»، *دایرةالمعارف تشیع*، پیشین، ج۱، ص۲۹.

6. Iustinianas.
7. Вәлиханлы Н. М. Көстәрилән әсәр, сәһ. 34.

شد که ارمنیه یکی از آنها بود.[1] این ارمنیه، طبق اصلاحات بیزانسیان، به چهار بخش تقسیم می‌شد که ایالات مختلف اران در آن بخش‌ها جا می‌گرفت. بنابراین، ارمنیه و اران دو مملکت کاملاً جدا ازهم بوده‌اند و اگر در برخی منابع، شهرهای اران را شهرهای ارمنیه یاد می‌کنند، به همین علت است و در این گونه موارد کلمه «ارمنیه» را باید به معنای ثانوی آن حمل کرد.

اران بعد از فتح مسلمانان، جزیی از ممالک اسلامی شناخته شد. این منطقه چون استقلال خودش را از دست داد و دیگر عنوان «دولت» به آن اطلاق نمی‌شد، اسم اران نیز کم‌کم رو به فراموشی نهاد و در برخی مواقع فقط به بخشی از آن اطلاق شد. کلمه ارمنیه به معنای ثانوی و اعم آن نیز جای خودش را به کلمه «قفقاز» داد. بنابراین، اران یا آلبانیا به عنوان ایالات مختلف از جمله شیروان، نخجوان، قوبا و غیره بخشی از قفقاز را تشکیل می‌داد که بعدها خان‌نشین‌های مستقلی در همین ایالات به وجود آمدند.

آلبانیا یا اران تاریخی در دوره معاصر «آذربایجان» نامیده می‌شود. در عین حال، بخشی از جمهوری اسلامی ایران نیز همین نام را دارد. به خاطر حل این شباهت و رسیدن به این‌که این نام در اصل، متعلق به کدام آذربایجان بوده، بررسی در مورد این واژه ضروری به نظر می‌رسد.

در مورد واژه «آذربایجان» اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. بعضی آن را مرکب از آذر و بایکان دانسته‌اند که به زبان پهلوی به معنای حافظ و خازن آتش است.[2] بعضی دیگر آن را به زبان ترکی به معنای دشت با کوه و تپه، دشت زیرکوه[3] و یا مسکن آتش‌ها[4] دانسته‌اند. اما در واقع، واژه آذربایجان در اصل آتورپاتکان بوده که از اسم یکی از فرمان‌روایان آن‌جا به نام «آتروپات» گرفته شده است. این منطقه در قدیم قسمت شمال غربی ماد را تشکیل می‌داد. وقتی اسکندر مقدونی ایران را فتح کرد، آتروپات آن منطقه را از افتادن به دست یونانیان نگه داشت و پادشاهی مستقلی بنیاد نهاد که قرن‌ها برپا بود. این مملکت را به اسم او آتورپاتکان، به معنای «مال آتروپات» یا «سرزمین مخصوص به آتروپات» نامیدند. لفظ آتورپاتکان نیز با گذر زمان تغییراتی پیدا کرد (آتورپاتکان ـ

۱. ابن‌خلدون، *العبر و دیوان المبتدأ و الخبر(تاریخ ابن‌خلدون)*، ج۳، ص۴، ۱۵، ۱۰، ۱۷، ۱۳۴، ۱۴۱، قاهره، ۱۲۸۳ق، به نقل از: Бүнјадов З. М. Азәрбајҹан 7-9-ҹу әсрләрдә. Азәрнәшр, Бакы, 1989, сәh. 135-136.

۲. یاقوت حموی، *معجم‌البلدان*، ج۱، ص۱۲۸، داراحیاءالتراث‌العربی. بیروت، بی‌تا.

3.Мүәллифләр hej`әти. Азәрбајҹан тарихи. Бир ҹилддә. Көстәрилән әсәр, сәh. 134.

4. Јенә орада, сәh. 269.

آذرپاذکان ـ آذربایگان) و به شکل امروزی آذربایجان در آمد.[1] بر اساس این مطلب می‌توان گفت: آذربایجان تاریخی، قسمت شمال غربی ایران را تشکیل داده و در جنوب اران و رود ارس قرار داشته و این منطقه شهرهای مهمی چون اردبیل، مراغه، میانه، تبریز و غیره شامل بوده است. بنابراین، این نظر تقویت می‌گردد که این نام در اصل، به آذربایجان قلمرو ایران تعلق دارد.

در سال ۱۹۱۸میلادی که حزب مساوات به رهبری محمدامین رسول‌زاده در اران به حکومت رسید، اسم کشور را «جمهوری دموکراتیک آذربایجان» گذاشتند؛ در حالی که در منابع تاریخی، اسم آذربایجان به آن منطقه اطلاق نشده، مگر این‌که بر اساس تقسیمات ارضی و کشوری باشد، همانند اسم ارمینیه که بعضی اوقات، به ویژه در اوایل فتوحات اسلامی اران، ارمینیه و آذربایجان را شامل می‌شد.[2]

---

۱. *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ص۲۲۱؛ *آذری یا زبان باستان آذربایجان*، ص۸؛ *شهریاران گمنام*، ص۵۸ ـ ۵۹؛ ایگور میخائیلوویچ دیاکونوف، *تاریخ ماد*، ترجمه: کریم کشاورز، ص۱، ۸۳ و ۴۱۵؛ چاپ چهارم: انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۷.
Алиев. И. Г. Очерк истории Атропатены. Азернешр, Баку, 1989, стр. 3, 34-40, 62.

۲. وضع لفظ آذربایجان بر اران موجب اعتراض روشن‌فکران ایرانی شد. کسروی می نویسد: «از دیرزمان که آگاهی در دست هست، آران جز بدین نام خوانده نشد و تا آن‌جا که ما می‌دانیم، تا قرن‌های هفتم و هشتم هجری این نام به روی آن‌جا معروف بوده و از آن پس کم‌کم روی به ناپدیدی گذارده است. شگفت است که آران را اکنون «آذربایجان» می‌خوانند. با آن‌که آذربایجان نام سرزمین دیگری است که در پهلوی آران و بزرگ‌تر و شناس‌تر از آن می‌باشد و از دیرین‌زمان که آگاهی در دست هست، همواره این دو سرزمین از هم جدا بوده و هیچ‌گاه نام آذربایجان بر آران گفته نشده است»؛ (*شهریاران گمنام*، ص۲۵۵ ـ ۲۵۶).